

نیویورک تایمز خطاب به آمریکایی‌ها: احمق نیستیم، به تیم همفکر بوش رای ندهید

خبرگزاری انتخاب: توماس فردیمن نویسنده با تجربه روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در مقاله‌ای با برشمردن توهین‌های جمهوریخواهان و تیم حامی جرج بوش به مردم و ارتش آمریکا، از آمریکایی‌ها خواسته است که با انتخاب درست خود، پاسخ این اهانت‌ها را به بهترین شکل ممکن بدهند.

۱۳ آبان ماه ۱۳۸۵

خبرگزاری انتخاب: توماس فردیمن نویسنده با تجربه روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در مقاله‌ای با برشمردن توهین‌های جمهوریخواهان و تیم حامی "جرج بوش" به مردم و ارتش آمریکا، از آمریکایی‌ها خواسته است که با انتخاب درست خود، پاسخ این اهانت‌ها را به بهترین شکل ممکن بدهند.

نیویورک تایمز نوشت: جرج بوش، دیک چنی و دونالد رامسفلد گمان می‌کنند که مردم و بویژه سربازان آمریکایی احمق هستند و این دقیقا آن چیزی است که آنان فکر می‌کنند.

نویسنده مقاله نیویورک تایمز خطاب به آمریکایی‌ها نوشته است: "آنها فکر می‌کنند که می‌توانند با استفاده از کنایه‌ها و طعنه‌هایی که جان کری به بوش و جنگ عراق زده است، شما را متقاعد کنند که در انتخابات آتی علیه دموکرات‌ها رای بدهید."

"جالب اینجاست که جان کری حتی در انتخابات کاندید هم نشده و برخلاف بوش و چنی هرگز از خدمت سربازی فرار هم نکرده است. امیدوارم هر بار که می‌شنوید بوش و چنی از جان کری انتقاد می‌کنند، با خود بگویید: اینها گمان می‌کنند که من احمق هستم؟" چرا که آنان دقیقا چنین گمانی می‌کنند.

به نوشته فردیمن، بوش و همفکران او گمان می‌کنند با اغراق و بزرگتر نشان دادن سخنان کنایه آمیز آقای کری در مورد رییس جمهور، می‌توانند توهین‌های مرگ آور و واقعی تیم جرج بوش به ارتش آمریکا در طول شش سال گذشته را از دید شما پنهان کنند.

نویسنده نیویورک تایمز تصریح دارد: کدام توهین می‌تواند از فرستادن ارتش به جنگ در عراق آن هم با نیروی ناکافی، خطرناکتر و آسیب زنده‌تر باشد؟ آنها جنگی را در یک کشور خارجی به راه انداخته‌اند که بر اساس دکترین کالین پاول مینی بر "نیروی بسیار" نیست، بلکه بر اساس دکترین رامسفلد است که تنها نیروها باید به اندازه‌ای باشند که برای شکست خوردن کافی باشد. پس چه توهینی می‌تواند از این بزرگتر باشد؟

فردیمن افزوده است: چه توهینی می‌تواند از این برای زنان و مردان ارتشی ما زشتتر و خطرناکتر باشد که آنها را بدون تجهیزات مناسب به جنگ بفرستیم تا مجبور گردند خود در میدان نبرد، زره و لباس تهیه و جیب هایشان را با تکه پاره‌های آهن ببوشانند تا بمب‌هایی که در مسیرشان منفجر می‌شود تنها باعث گردد تا آخر عمر معلول شده و حداقل کشته نشوند.

نیویورک تایمز نوشته است: چه چیزی می‌تواند برای زنان و مردان ارتشی ما از این توهین خطرناکتر و زشت تر باشد که آنها را به جنگی بفرستید در حالی که هیچ طرحی برای ایجاد ثبات سیاسی بعد از جنگ تهیه نکرده‌اید؟ و در نتیجه ارتش آمریکا مجبور است تا علاوه بر نبرد نظامی به بازسازی ساختار سیاسی عراق نیز مشغول باشد.

به نوشته فردیمن، تیم جرج بوش مجموعه‌ای از تمام شکست‌ها و ناکامی‌های نظامی را گرد آورده‌اند که تمامی آنها به همان نتیجه‌ای خواهند رسید که سربازان ساده و افسران آمریکایی به خوبی به آن واقف می‌باشند و آنرا اینگونه بیان می‌کنند: "این دولت هرگز برنامه‌ای برای صبح روز بعد ندارد و این ما هستیم که باید به جبران آن بپردازیم."

فردیمن همچنان می‌پرسد: چه توهینی می‌تواند برای زنان و مردان ما در عراق از این زشت تر و آسیب زنده تر باشد که آنها را به جنگ بفرستیم و سپس خود ما به واسطه اشتباهی سیری ناپذیرمان به نفت، به سرمایه‌گذاری برای همان دشمنان بپردازیم؟

این روزنامه افزوده است: جرج بوش به درستی اعلام کرد که آمریکا به نفت معتاد است اما هیچ اقدامی برای ترک این اعتیاد نکرده است. پس ما همچنان سرمایه لازم برای ارتش آمریکا را از طریق مالیات می‌پردازیم و به طور همزمان با خرید منابع انرژی، سرمایه لازم را برای دشمنانمان فراهم می‌کنیم.

به نوشته فریدمن، همه می‌گویند که کارل روو (مغز متفکر کابینه بوش Karl rove) يك نابغه است، بلکه درست است اما کمپانی‌های سیگارسازی نیز هوشمند هستند، آنها شما را متقاعد می‌سازند تا با وجود اینکه از سرطان زار بودن آن آگاه هستید، سیگار بخرید.

"زیرکی کارل روو نیز به همان شکل کمپانی‌های سیگارسازی است. وی هوش خود را صرف يك استراتژی منسجم برای متحد ساختن شهروندان آمریکایی حول يك هدف مشترك برای ایجاد سرزندگی در قرن بیست و یکم در کشور نکرده است، تا بهترین توانایی آمریکا را ظاهر سازد. نکات وی در این است که تعدادی کنایه جان کړي را بگیرد و با مبالغه در آنها سبب بروز بدترین حالت شود تا شما بحران و آشفتگی را که تیم جرج بوش برای آمریکا به بار آورده، نادیده بگیرید."

نویسنده مقاله نیویورک تایمز می‌نویسد: کارل روو در گذشته در کار خود موفق بوده است چرا که اطمینان داشته که می‌تواند شما را متقاعد کند تا سیگارهای بوش را با علم به اینکه سرطانزا هستند، بخرید اما خواهش می‌کنم، خواهش می‌کنم بیایید این بار به خاطر سلامت کشورمان هم که شده، نشان بدهیم که وی اشتباه می‌کند.

"بگذارید به کارل روو نشان دهیم که ما احمق نیستیم. بگذارید به وی نشان دهیم که ما می‌دانیم که میهن پرستانه‌ترین چیز در این انتخابات این است که بر ضد دولتی رای دهیم که با بی‌لیاقتی تمام ما را به نقطه‌ای در عراق کشانده است که می‌شد از آن جلوگیری کرد، اما اکنون دیگر هیچ امیدی برای پیروز بیرون آمدن از آن نیست."

نیویورک تایمز تصریح دارد: بیایید به کارل روو بفهمانیم که ما می‌دانیم که این انتخابات بسیار حیاتی است، چرا که ما به عنوان يك شهروند می‌دانیم که اگر تیم بوش بتواند با همین سطح بی‌لیاقتی مرگبار که در عراق نشان داده است، به کار خود ادامه دهد و در عین حال بتواند سیطره خود را بر کاخ سفید و کنگره و سنا حفظ کند، بدین معنی است که کشور ما تبدیل به يك جمهوری فشرده شده است بدین معنی که دموکراسی ما چنان فرسوده گشته و چنان با پول آلوده و آنقدر با ضربه‌های سیاسی حرفه‌ای تقسیم شده که ما دیگر نمی‌توانیم حزب حاکم را مسئول مسایل کشور دانسته و از آن بازجویی به عمل آوریم.

نویسنده نیویورک تایمز می‌نویسد "و در نهایت رای دادن به حفظ بوش و طرفداران او در کاخ سفید و کنگره به این معنا است که درست همانطور که کارل روو گمان می‌کند، ما احمق هستیم."

فریدمن در پایان نوشته است: من به نوبه خود، فکر نمی‌کنیم که ما احمق باشیم، به هر حال سه‌شنبه آینده و زمان انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، متوجه خواهیم شد."

نیوزویک: بوش اعتبار و وجهه آمریکایی‌ها را از بین برده است

۱۳ آبان ماه ۱۳۸۵ ساعت: ۲۰، ۲۰

خبرگزاری انتخاب: يك هفته نامه آمریکایی نیوزویک در گزارشی نوشته است: آمریکا پس از قرن‌ها خوش‌شانسی هم اکنون شانس خود را از دست داده است و دولت جرج بوش باعث از بین رفتن اعتبار و وجهه چند قرن گذشته آمریکایی‌ها شده است.

"مایکل هرش" نویسنده گزارش نیوزویک که روز شنبه در سایت اینترنتی این هفته نامه منتشر شد، نوشت: اینکه مردم آمریکا تا چه اندازه خوش‌شانس بوده‌اند که در لحظات حیاتی تاریخ از رهبرانی بسیار قدرتمند برخوردار بوده‌اند به موضعی بسیار محبوب در سیستم آموزشی مردم آمریکا تبدیل شده است و این مساله را از زمانی که به عنوان يك کودک وارد مدارس می‌شویم، شنیده‌ایم.

نیوزویک می‌نویسد: ما بسیار خوش‌شانس بودیم که نخستین رییس جمهوری آمریکا مردی درستکار به نام "جرج واشنگتن" بود که با رد قدرت‌های سلطنتی که به وی پیشنهاد شده بود، از جمهوری حمایت کرد.

"ما همچنین بسیار خوش‌شانس بودیم در زمانی که آمریکا در حال از هم پاشیدن بود رییس جمهوری همچون "آبراهام لینکلن" (Abe Lincoln) را انتخاب کردیم و در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ نیز فردی همچون "فرانکلین روزولت" را داشتیم."

به نوشته نیوزویک ، مردم آمریکا بسیار خوش شانس بودند که يك فروشنده لباس مردانه ورشکسته شده به نام " هری ترومن" (Harry Truman) به هنگام آغاز جنگ سرد هدایت آمریکا را برعهده داشت و پس از آن نیز بسیار خوش شانس بودیم که هنگام پایان جنگ نیز يك بازیگر سینمایی به نام "رونالد ریگان" (Ronald Reagan) توانست به خوبی جنگ را پایان دهد.

نویسنده این گزارش نیوزویک با اشاره به اینکه مردم آمریکا با زنجیره ای از خوش شانسی ، قرن های گذشته را پشت سر گذاشته اند، نوشته است: زمانی این ضرب المثل وجود داشت که خداوند نگهدار مست ها، کودکان و آمریکا است البته مساله ای که وجود دارد این است که شانس در نهایت به اتمام می رسد و این همان مساله ای است که برای مردم آمریکا رخ داده است.

" باتوجه به اینکه مردم آمریکا روز سه شنبه برای شرکت در انتخابات میان دوره ای کنگره در پای صندوق های رای حاضر خواهند شد، ما باید و باید با این واقعیت مواجه شویم که در تمامی طیف های سیاسی به افرادی بد اقبال تبدیل شده ایم".

نیوزویک با اشاره به اینکه تاریخی ترین بدشانسی مردم آمریکا اتفاقی بود که پس از روز انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ رخ داد، نوشت: تنها ۳۷ رای ایالت فلوریدا باعث روی کار آمدن جرج بوش شد، بدون توجه به اینکه " الگور" چه رییس جمهوری می توانست باشد، هم اکنون بسیار دشوار است که نتوان اینگونه نتیجه گیری کرد که بوش فردی اشتباه بود که در يك زمان اشتباه حاضر شده بود.

" شاید بوش در نوعی جنگ دیگر می توانست موفق تر عمل کند ولی در لحظه ای از تاریخ که ما شاهد ماهرانه ترین تهدید جهان بودیم، زمانی که ما به چیزی بیش از اراده برای استفاده از نیروی نظامی یعنی رهبری واقعا پر استعداد (که از قبل دشمن ناشناس خود را به خوبی مورد مطالعه قرار دهد) نیاز داشتیم ، ما به رهبری دست یافتیم که به عدم آگاهی خود افتخار می کرد".

به نوشته نیوزویک ، لذا در چنین وضعیتی بوش در نهایت گروه القاعده، صدام و تمامی شبه نظامیان اسلامی را با اسامه بن لادن در يك گروه قرار داد او به این گروه کوچک که در افغانستان حضور داشتند و جای دیگری برای فرار نداشتند حمله کرد و به این ترتیب این گروه را در سراسر جهان پراکنده ساخت و این نیروها به يك تهدید نسلی اسلامی تبدیل شدند.

هرش نویسنده نیوزویک افزوده است: آمریکا در زمانی که به سیستم مشارکت بین المللی احتیاج داشت به رییس جمهوری دست یافت که تنها می خواست يك "کابوی" باشد. بوش در دور نخست ریاست جمهوری خود با عصبانیت و قلدری عمل کرد و به این ترتیب حیثیت آمریکا را که با دقت زیادی طی نیم قرن گذشته به دست آمده بود از بین برد.

" به این ترتیب بوش در زمانی که آمریکا شدیداً به حمایت جامعه جهانی احتیاج داشت کشور خود را منزوی کرد و پرداخت میلیاردها دلار بدهی را برعهده نسل کنونی و نسل های آینده این کشور باقی گذاشت".

نیوزویک نوشته است: بوش با از بین بردن منابع، حیثیت و اعتبار خود در عراق هم اکنون به اندازه ای ضعیف و منزوی شده که نمی تواند آنگونه که باید با تهدیدات مقابله کند و این همان چیزی است که ما آن را بدشانسی می نامیم.

بنابر این گزارش، در همین حال بوش فردی را مسنول "مبارزه علیه تروریسم" کرده است (دونالد رامسفلد) که خود نشانگر آن است مردم آمریکا نمی توانستند از این بدشانسی تر باشند زیرا در زمانی که ما به هماهنگ کننده ای ماهر احتیاج داشتیم که سازمان های مختلف دولتی را که در مساله امنیت ملی دست داشتند، با هم متحد سازد یعنی تنها راهی که می توانیم به اهداف خود در روند پیچیده ضد تروریسم و بازسازی کشور دست یابیم، دقیقاً کاری خلاف آن را انجام داد.

"لذا به این ترتیب دونالد رامسفلد بجای بهبود بخشیدن روندهای درون سازمانی وضعیت آن را بدتر ساخت. او بخاطر اینکه نخواست ماموریت از بین بردن طالبان و القاعده را به سازمان سیا واگذار کند، نابودی آن ها را به تعویق انداخت و وزارت امور خارجه را نیز از روند بازسازی عراق و بحث کنوانسیون های ژنو خارج کرد".

به نوشته نیوزویک ، هفته گذشته نیز "استوارت بون" (Stuart Bowen) بازرس کل عراق در گزارشی جدید اعلام کرده بود پنتاگون در مورد فعالیت "تیم های بازسازی استانی" با وزارت امور خارجه به خوبی همکاری نمی کند، حال آنکه دولت آمریکا زمانی به این تیم ها شدیداً اتکا می کرد.

نیوزویک نوشت: جرج بوش همچنین گفته است با وجودی که تعداد زیادی از اعضای حزب جمهوریخواه و حتی کارکنان کاخ سفید خواسته‌اند او رامسفلد را فوراً از سمت خود کنار بگذارد، چنین کاری نخواهد کرد.

”هرچند این نیز خود نوعی بدشانسی است، ولی باید به این مساله اعتراف کرد که بدشانسی مردم آمریکا در حال حاضر دو حزبی است زیرا اخیراً مطلع شدیم که حزب دمکرات نیز از توانایی‌های لازم برای مبارزه با تروریسم برخوردار نیست. در همین حال رهبران حزب دمکرات نیز اندک اندک در حال درک این مساله هستند که ”هیلاری کلینتون“ که همه پول‌های آنها را به خود جذب می‌کند قادر به پیروز شدن در انتخابات نیست.“

این هفته نامه نوشته است: چنانچه دمکرات‌ها بتوانند کنترل یکی از مجالس کنگره آمریکا را به دست آورند، دلیل آن این خواهد بود که مردم آنها را دوست دارند بلکه علت آن این است که آنها دیگر نمی‌توانند تحمل کنند که جمهوریخواهان بر کشور حکومت نمایند.

نویسنده نیوزویک تصریح دارد: لذا اصلاً تعجب انگیز نیست که همه در حال صحبت کردن از ”باراک اوباما“ آمریکایی آفریقایی‌تبار (Barack Obama) هستند و این درحالی است که او تنها کمتر از دو سال است که مشغول به کار شده است پس می‌توان گفت که ما قطعاً به شانس احتیاج داریم.

نیشن: بوش باید رایس را برای مذاکره به تهران بفرستد

خبرگزاری انتخاب: هفته‌نامه آمریکایی نیشن در گزارشی با اشتباه توصیف کردن تصورات غرب از ایران توصیه کرده است: آمریکا کاندولیزا رایس را برای شروع مذاکره میان دو کشور به تهران بفرستد.

۱۳ آبان ماه ۱۳۸۵ ساعت: ۲۰، ۰۲

خبرگزاری انتخاب: هفته‌نامه آمریکایی نیشن در گزارشی با اشتباه توصیف کردن تصورات غرب از ایران توصیه کرده است: آمریکا کاندولیزا رایس را برای شروع مذاکره میان دو کشور به تهران بفرستد.

”اسکات ریتتر“ بازرس سابق تسلیحاتی سازمان ملل در عراق و نویسنده این گزارش افزوده است: فاصله بین مناطق شمالی تهران تا تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز نزدیک به ۱۸۰ مایل است، وقایعی که بین این دو نقطه جغرافیایی رخ می‌دهد نیز باعث جلب توجه جامعه بین‌المللی و بخصوص دولت آمریکا شده است.

ریتتر که به تازگی از سفر یک هفته‌ای به تهران بازگشته، نوشته است: در طول این سفر از نقاط شمالی تهران تا دره‌های ورودی تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز دیدن کردم و در این مدت ایرانی که من شاهد آن بودم بسیار با ایرانی که از آن در رسانه‌های آمریکا یاد می‌شود، تفاوت دارد.

وی خاطرنشان کرده است: من ایران را با درک این مساله ترک کردم که همچون مساله عراق، آمریکا بخاطر پیش‌داوری و نگرانی‌های ناشی از کم اطلاعی خود در حال لغزش به سمت رویارویی با آن کشور است.

نویسنده این هفته نامه آمریکایی تصریح دارد: نخستین مساله‌ای که به محض ورود به تهران متوجه شدم این است که ایران اصلاً شبیه عراق نیست. من بیش از هفت سال را در عراق سپری کردم و دقیقاً می‌دانم که یک حکومت دیکتاتوری استبدادی چگونه است و چگونه عمل می‌کند، ایران چنین کشوری نیست.

”پس از عبور از بخش کنترل گذرنامه، من در میان جامعه‌ای پرتراوت قرار گرفتم که در جامعه‌ای خالی از دستگاه‌های امنیتی ستمگر فعالیت می‌کند البته این بدان معنی نیست که هیچ سازمان امنیتی داخلی در ایران وجود ندارد.“

"ایران از سازمان‌های امنیت داخلی فعالی برخوردار است ولی قطعاً کشوری پلیسی نیست که آمریکا پس از دوران ۱۱ سپتامبر شاهد آن بوده و پلیس اف بی آی و سازمان امنیت ملی از نرم افزارهای مشابهی برای نظارت بر مکالمات شهروندان آمریکایی استفاده می‌کنند."

ریتتر می‌نویسد: ایران قطعاً یک جامعه باز همانند غرب هم نیست. در این سفر با شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل صحبت کردم.

نویسنده هفته نامه آمریکایی نیشن افزوده است که باوجود برخی تلاش‌ها، استفاده از اینترنت و تلفن همراه در میان ایرانیان شدیداً رایج است.

وی می‌نویسد: مساله موجود این است باوجودی که دولت ایران گاهی با مخالفت‌های علنی سازمان دهی شده برخورد می‌کند، ولی در عین حال جریان آزاد اطلاعات که برای هر جامعه پویا حیاتی است، علیرغم برخی تلاش‌ها، در ایران وجود دارد.

وی می‌نویسد: به عنوان مثال عبادی اجازه دارد به خارج از ایران سفر کند و سخنرانی‌ها و مقالات شدیدی را در انتقاد از حکومت ایران منتشر نماید، ولی همچنان آزادانه فعالیت می‌کند و این درحالی است که "آونگ سان سوکی (Aung San Suu Kyi) برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۱ نمی‌تواند آزادانه عمل کند و همچنان در میانمار تحت بازداشت خانگی قرار دارد."

نویسنده گزارشش با ابراز تعجب از سرمایه‌هایی که در تهران وجود دارد اظهارداشت: بسیاری از نظریه‌پردازان آمریکا از جمله کسانی که هم اکنون قدرت را در واشنگتن در دست دارند به این نتیجه رسیده‌اند که طبقه سرمایه دار ایران نه تنها از مداخله آمریکا در کشورشان استقبال می‌کند بلکه برای تسهیل چنین اقدامی نیز با واشنگتن همکاری خواهد کرد.

ریتتر افزوده است: قطعاً گروه‌های سکولار در ایران وجود دارد که از زندگی کردن تحت قوانین اسلامی ناراضی هستند بسیاری از این افراد سرمایه دارانی هستند که در دوران حکومت شاه ثروتمند شده بودند و خواستار بازگشت مجدد به جامعه‌ای غربی و سکولار هستند.

"سفرم باعث شد که من متقاعد گردم حمایت از مداخله نظامی آمریکا در ایران اصلاً وجود ندارد و تنها کسانی که در غرب زندگی می‌کنند و عقیده آنها بر اساس اظهارات سلطنت طلبانی شکل گرفته که بیش از ربع قرن در ایران نبوده‌اند، براین باورند."

به‌نوشته نیشن، ایران امروزه یک جامعه کاملاً سرمایه‌داری است که از منابع نفتی بسیار زیادی نیز برخوردار است. در این میان جمع زیادی از ایرانیان سرمایه دار نیز وجود دارند که سرمایه‌های خود را پس از انقلاب اسلامی ایران به دست آورده‌اند.

نویسنده نیشن که زمانی از افسران تفنگدار آمریکا بوده، افزوده است: کسانی که در غرب فکر می‌کنند جوانان ایرانی نیز خواستار رسیدن به جامعه‌ای غربی هستند در اشتباهند، این جوانان از تغییراتی ملایم آن هم از درون، حمایت می‌کنند.

این هفته‌نامه با اشاره به اینکه پیش از این مرکز سیاسی ایران در شمال تهران بود، نوشته است: ولی در سال ۲۰۰۵ با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد شاهد تغییرات مهیجی در مناطق جنوبی تهران بودیم که اکثر آرای محمود احمدی نژاد نیز از همین مناطق به دست آمد زیرا آنها کسی را انتخاب کرده بودند که بیشتر شبیه خود آنها بود.

"رسانه‌های غربی پیروزی احمدی نژاد را به عنوان مدرکی دال بر روی کار آمدن مجدد اصول‌گرایی مذهبی دانستند ولی تمامی کسانی که در خیابان‌های تهران با آنها گفت و گو می‌کردیم واقعیتهای متفاوتی را بیان می‌کردند." نویسنده نیشن افزوده است: علت اصلی پیروزی قدرتمندانه احمدی نژاد اصول‌گرایی دینی نبوده است بلکه علت آن وجود اتهاماتی همچون فساد مالی، قوم پرستی و وضعیت اقتصادی بود، لذا احمدی نژاد بیش از هر چیز دیگر به عنوان یک نامزد اصلاحات بود و این مساله‌ای بود که باعث به قدرت رسیدن او شد و همچنان نیز او بر اساس همین مساله مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

نیشن سپس به نقل از يك نظامي بازنشسته ایرانی می‌نویسد: "ما حملات ۱۱ سپتامبر را به عنوان جنایت علیه اسلام و بشریت محکوم کردیم ولی در عین حال به ما تروریست یا از آن بدتر همدست القاعده گفته می‌شود. آیا آمریکا این را نمی‌فهمد که ما مخالف تمامی تفکرات القاعده هستیم؟"

نویسنده هفته‌نامه آمریکایی نیشن افزوده است: مردم آمریکا در عجله خود برای از بین بردن کسانی که در حمله ۱۱ سپتامبر دست داشتند، فراموش کردند که ایران نه تنها این حملات را محکوم کرد همانگونه که حزب الله نیز آن را محکوم کرد، بلکه در اواخر دهه ۱۹۹۰ تقریباً با طالبان و القاعده جنگید.

به نوشته این هفته نامه آمریکایی، در حقیقت هیچ متحد بالقوه بزرگتری نسبت به ایران در مبارزه علیه افراطیون القاعده وجود ندارد.

نیشن در ادامه به نقل از یکی دیگر از نیروهای نظامی بازنشسته نوشته است: عراق همسایه ما است و قطعاً ثبات آن به نفع ما است. ما هشت سال با این کشور جنگیده‌ایم و لذا واقعیات آن را درک می‌کنیم.

"ما بسیار خوشحالیم که آمریکا صدام را سرنگون کرد ولی کاری که آمریکا هم اکنون انجام می‌دهد تنها باعث ایجاد نا امنی بیشتر در منطقه می‌شود، ما می‌توانیم به ایجاد ثبات در عراق کمک کنیم."

ریتزر نویسنده گزارش هفته‌نامه نیشن، افزوده است: پس از عبور از قم، اتوبان‌هایی نوین را مشاهده می‌کنیم که در آن‌ها استراحتگاه‌هایی وجود دارد که قطعاً مسافران ایالت نیویورک آنها را تایید خواهند کرد هرچند که در ادامه راه با صف طولانی خودروهایی مواجه شدم که در انتظار بنزین بودند.

"ایران با وجود سرمایه نفتی بسیار عظیم خود با بحران بنزین مواجه است بخصوص که اقتصاد آن به درآمد حاصل از صادرات نفت بستگی دارد و به همین خاطر توجه زیادی به نیاز مصرف‌کنندگان داخلی نشده است، ایران به اندازه ای با مشکل پالایش نفت مواجه است که سالانه میلیاردها دلار را صرف واردات بنزین می‌کند و این درحالی است که ذخایر نفتی ایران شدیداً رو به کاهش است و اکتشافات جدیدی نیز در ایران صورت نگرفته است لذا آن کشور طی دهه‌های آینده با بحران انرژی جدی مواجه خواهد شد. مگر آنکه به منابع جایگزین دیگری دست یابد."

به نوشته نیشن، در حدود ۱۸۰ مایلی جنوب تهران نیز تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نظنز وجود دارد که بخاطر وجود تعداد زیادی ضد هوایی و خاکریز، دارای ظاهری تاریک و شوم است ولی رازهایی که باعث نگرانی‌ها شده، از طریق بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به خوبی در اطلاع جامعه جهانی قرار گرفته و چیزی که بازرسان گفته‌اند کاملاً مشخص است: هیچ مدرکی دال بر اینکه ایران به دنبال یک برنامه تسلیحات هسته‌ای است، وجود ندارد علاوه بر آن برنامه غنی‌سازی نیز با برخی مشکلات فنی مواجه بوده که از هرگونه پیشرفت سریع جلوگیری می‌کند.

نویسنده نیشن افزوده است: لذا هیچ تهدید تسلیحات هسته‌ای قریب الوقوع از جانب ایران وجود ندارد و ایران به فناوری و علم لازم برای دستیابی به یک برنامه تولید انرژی هسته‌ای نیز به طور کامل دست نیافته چه برسد به برنامه تسلیحات هسته‌ای که برخی ادعای آن را دارند.

نیشن در ادامه گزارش خود با اشاره به اینکه دولت بوش از لزوم اقدام سریع در مورد انگیزه‌های هسته‌ای ایران حرف می‌زند، نوشت: "تهدید متناسب به ایرانیان که بوش به آن عقیده دارد بر اساس ترس است و برخاسته از ترکیبی از جهل و عدم انعطاف پذیری ایدئولوژیکی آن است، لذا مسیری که آمریکا هم اکنون در قبال ایران اتخاذ کرده مسیری است که به درگیری منجر خواهد شد."

ریتزر می‌نویسد: وظیفه و ماموریت ما این است که مطمئن شویم پیش از تصمیم‌گیری به آغاز هر درگیری، تمامی گزینه‌ها مورد آزمایش قرار گرفته است، این درحالی است که در مورد مساله ایران، آمریکا حتی به امتحان گزینه‌های ممکن نزدیک نیز نشده است.

هفته‌نامه آمریکایی تاکید دارد: راه حل این مشکل کاملاً مشخص است.

منطقی‌ترین مسیر این است که کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه را به تهران اعزام کنیم تا مستقیماً با بازیگران اصلی طرف ایرانی گفت و گو کند.

به نوشته نیشن ، اگر مقامات کاخ سفید واقعا با ایرانیان وارد مذاکره شوند، آنها يك تجربه‌اي بدست خواهند آورد که چشمان آنها را باز خواهد نمود البته رایس قطعا براي سفر به تهران به يك سياست وصله پینه شده آمریکا احتیاج خواهد داشت .

"این سياست ، سياستي است که تغيير حکومت در ایران را رد کند، به تهران تضمین‌هاي امنیتی لازم را بدهد و آمادگی داشته باشد بر اساس معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌اي NPT که ایران نیز عضو آن است حق مشروع تهران به برخورداری از غني‌سازي اورانیوم را به رسمیت بشناسد، البته حقی که شدید تحت نظر سازمان ملل خواهد بود و شاید به فعالیت تنها يك آبشار غني‌سازي اورانیوم (تشکیل شده از ۱۶۴ دستگاه سانتریفیوژ) محدود شده باشد ."

این هفته نامه افزوده است: در این صورت رایس قطعا با میزان ملایمتی که امروزه در ایران وجود دارد متعجب خواهد شد. او همچنین ممکن است از این مساله نیز متعجب شود که امروزه ایرانیان بیش از پیش آمادگی دارند تا درمورد برنامه‌هاي که به ایجاد ثبات در عراق منجر شود با غرب همکاری کنند .

ریتتر می‌نویسد: "چنین سفری علاوه بر اینکه خطر يك درگیری بسیار خطرناک را به شدت کاهش خواهد داد، باعث ایجاد صلح بیشتر در منطقه خواهد شد. این مساله همچنین بیش از هرگونه طرح جنگی که پنتاگون ممکن است طراحی کند می‌تواند به پیروزی آمریکا در جنگ موسوم به "جنگ جهانی علیه تروریسم" کمک کند. در پایان این چیزی است که يك سياست خوب را تعریف می‌کند، چیزی که متاسفانه امروز در واشنگتن شاهد آن نیستیم .

تحلیل - کریستین ساینس مانیاتور / انتخابات کنگره‌ي آمریکا و تاثیر بحران عراق

۱۳/۰۸/۱۳۸۵

"آرشیو تاریخ انتخابات آمریکا بیانگر این واقعیت است که در اکثر این انتخابات‌ها به خصوص انتخابات میان دوره‌يي، قضایای داخلی بیش از قضایای خارجی مد نظر گرفته می‌شود و نامزدها برای رقابت با یکدیگر و احراز کرسی، بر مسایل داخلی آمریکا متمرکز شده‌اند تا مسایل و قضایای مربوط به سياست خارجی این کشور. با توجه به این پیش زمینه انتظار می‌رود که جنگ عراق بر انتخابات آینده‌ي این کشور و شانس نامزدهای دموکرات و جمهوری‌خواه جهت کسب نتایج این انتخابات سایه نیافکند و تاثیرگذار نباشد اما این مساله میسر نشده است و جنگ نامشروع آمریکا با عراق و اوضاع بحرانی و انسانی موجود در این کشور حربه‌ي اصلی مبارزات انتخاباتی نامزدهای دموکرات علیه جمهوری‌خواهان است."

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) محمد عبدالعزیز ربیع، یکی از اساتید آمریکایی عرب تبار دانشگاه بوستون با راهی تحلیلی درباره‌ي انتخابات کنگره‌ي آمریکا تحت عنوان "انتخابات داخلی آمریکا و تاثیرگذاری بحران عراق بر آن" در روزنامه‌ي کریستین ساینس مانیاتور می‌نویسد: «در حقیقت فضای انتخاباتی همیشه به صورت مستمر در آمریکا حاکم است و این کشور در طول سال شاهد مبارزات انتخاباتی و پس از آن برگزاری انتخابات متعدد است. مثلا برغم آنکه رییس‌جمهور آمریکا به مدت چهار سال رسال انتخاب می‌شود اما مبارزات انتخاباتی نامزدها برای کسب پست ریاست جمهوری آمریکا به مدت دو سال طول می‌کشد. پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سناي آمریکا قرار می‌گیرد. انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا برای تعیین ۴۳۵ نماینده هر دو سال يك بار انجام می‌گیرد و پس از آن انتخابات مجلس سنا مطرح می‌شود. در این انتخابات ۱۰۰ نماینده باید انتخاب شوند که هر دو سوم از این تعداد هر دو سال يك بار در يك انتخابات تعیین می‌شوند. براساس قانون انتخابات آمریکا دوره‌ي ریاست جمهوری در این کشور چهار سال است و رییس‌جمهور این کشور تنها برای يك بار دیگر می‌تواند در این انتخابات نامزد شود و شانس انتخاب مجدد را داشته باشد. اما دوره‌ي عضویت نمایندگان در مجلس سنا شش سال است و نمایندگان این مجلس می‌توانند برای بارهاي متعدد در انتخابات این مجلس شرکت کنند. دوره‌ي عضویت در مجلس نمایندگان آمریکا نیز دو سال است و شرکت مجدد اعضای این مجلس در انتخابات مجدد آن محصور و محدود نیست و نمایندگان آن می‌توانند بارها و بارها برای احراز کرسی مجدد در این مجلس در انتخابات آن شرکت کنند.»

در ادامه‌ي این تحلیل آمده است: «مسلط شدن يك قضیه‌ي خارجی بر انتخابات میان دوره‌يي کنگره‌ي آمریکا به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران در تاریخ انتخابات آمریکا امر بی‌سابقه‌اي بوده است و همین موضوع عمق فاجعه‌ي بحران عراق، خطاها و اشتباهات سیاسی دولت بوش در عرصه‌ي سياست گذاری خارجی را نشان می‌دهد. به استناد بسیاری از وقایع موجود و حقایق ثبت شده بینش‌ها و اولویتهای اخلاقی و فکری بوش در بسیاری از زمینه‌ها منحصر به فرد است به طوری که

بسیاری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی بوش نشأت گرفته از اعتقادات درونی وی است در حالی که در جهان سیاست بسیاری از اولویت‌ها براساس وقایع موجود و در نظر گرفتن منافع عام اتخاذ می‌شود. این موضوع یعنی خاص بودن نوع تفکر بوش و یا به عبارتی ضعف فکری وی در بسیاری از رسانه‌های آمریکایی مطرح شده است. مثلاً روزنامه‌ی نیویورک تایمز اخیراً با انتشار مطلب طنزآمیزی که به استناد برخی از مدارک موثق آن را منتشر کرده است، نوشت: جورج بوش بیش از ۳۳۶ مشاور در امور مختلف به کار برده است و می‌بایست هنگامی که برای این مشاوران اختصاص داده است. در این مطلب طنزآمیز واقعی آمده است: دولت فعلی آمریکا به دلیل ضعف عملکرد موجود در حال حاضر توسط ۳۳۶ مشاور بوش اداره می‌شود نه توسط بوش.»

ربیع در ادامه می‌نویسد: «ضعف بینش‌های سیاسی و اخلاقی بوش در کنار رسوایی‌های این دولت در جنگ عراق در حال حاضر از مهم‌ترین موضوع‌هایی هستند که بر فضای رقابت‌های انتخاباتی کنگره‌ی آمریکا حاکم هستند. نامزدهای جمهوری‌خواه در برنامه‌های انتخاباتی خود برای رقابت با حزب مقابل یعنی دموکرات‌ها این چنین از دولت فعلی آمریکا و سیاست‌گذاری‌های خارجی‌اش حمایت می‌کنند و می‌گویند: بوش و حزب حاکم در آمریکا تنها قدرت موجود در این کشور است که توانایی حمایت ملت آمریکا و تامین امنیت ملی این کشور را دارد و دموکرات‌ها برنامه و طرح‌های امنیتی مشخصی در دست اجرا ندارند و بیشتر درصدد فرار از عراق و عقب نشینی سربازان آمریکایی از این کشور هستند تا عراق به عرصه‌ای برای فعالیت اصول‌گرایان و پایگاهی برای آموزش تروریست‌ها تبدیل شود. جالب آن است که بسیاری از نامزدهای جمهوری‌خواه در سخنرانی‌های انتخاباتی خود در پاسخ به برنامه‌های امنیتی دولت بوش جهت حل بحران عراق این چنین پاسخ می‌دهند که بوش طرح کاملی را برای حل این بحران در دست اجرا دارد اما به دلایل امنیتی برای غافلگیر کردن همه این طرح و مفاد آن از سوی دولت بوش فاش نشده است.»

تحلیل‌گر روزنامه‌ی کریستین ساینس مانی‌تور در ادامه می‌نویسد: «با توجه به وضعیت حزب جمهوری‌خواه آمریکا و محکم شدن پایگاه و جایگاه حزب دموکرات این کشور بوش نیز رسماً برای حمایت و نجات حزب‌اش وارد عمل شده است. رییس‌جمهور آمریکا در یکی از سخنرانی‌های خود در حمایت از حزب جمهوری‌خواه اظهار داشته است: شهروندان آمریکایی به دو دلیل بسیار محکم نامزدهای حزب حاکم را بار دیگر انتخاب خواهند کرد؛ دلیل اول جنگ این دولت و حزب وابسته‌اش با تروریسم جهانی و دست‌آوردهای مهمی که در این زمینه به آن دست یافته است می‌باشد. مثلاً از زمانی که دولت جمهوری‌خواه آمریکا جنگ خود با تروریسم را آغاز کرده است یعنی پنج سال پیش، این کشور مورد هجوم تروریستی قرار نگرفته است. اما عامل دوم وضعیت اقتصادی آمریکا در دوران این حکومت است. اقتصاد آمریکا در این زمان رشد و شکوفایی داشت و در چارچوب این مدت زمانی فرصت‌های شغلی جدید برای بیش از ۶ میلیون شهروند آمریکایی ایجاد شد و معدل بیکاری تا ۴/۶ درصد کاهش یافت.»

ربیع می‌نویسد: «به رغم آنکه جمهوری‌خواهان تلاش‌های گسترده‌ای برای تبیین و تفهیم شهروندان آمریکایی نسبت به بسیاری از رسوایی‌های سیاست‌های خارجی دولت خود می‌کنند اما به دلیل وسعت این اشتباهات تاکنون در این زمینه موفقیت‌هایی را کسب نکرده‌اند و دایره‌ی منتقدان و مخالفان این حزب گسترده‌تر شده است. منتقدان و مخالفان دولت بوش و حزب جمهوری‌خواه این کشور بیشتر بر عملکرد این دولت در چهار قضیه‌ی بین‌المللی مهم یعنی عراق، افغانستان، کره‌ی شمالی و ایران متمرکز شده‌اند. اگر برنامه‌های خبری و تحولات سیاسی داخلی آمریکا را دنبال کنیم و اگر به اظهارات اکثر تحلیل‌گران سیاسی آمریکا که روزانه از شبکه‌های مختلف تلویزیونی در آمریکا پخش می‌شود گوش فرا دهیم می‌بینیم که هر روز نسبت به روز گذشته گستردگی خسارت‌های آمریکا در عراق و عمق فاجعه‌ی که دولت بوش در آن دست پا می‌زند بیشتر برای ملت آمریکا و جهان کشف می‌شود و عدم صدق گفتار جمهوری‌خواهان مبنی بر اینکه دولت بوش طرح کلی برای خروج از بحران عراق در دست اجرا دارد نیز برای همگان مشخص می‌شود.»

تحلیل‌گر این روزنامه‌ی آمریکایی در ادامه‌ی این تحلیل می‌نویسد: «اخیراً بوش درباره معنای پیروزی جمله‌ای تحت این عنوان گفته است که مفاهیم و معنای پیروزی مختلف، متفاوت و متعدد است و به اعتقاد من پیروزی این بار باید يك معنا و مفهوم جدید و متفاوت داشته باشد. این سخن بوش معانی و ابعاد مختلفی دارد که یکی از این معانی حتمی بودن شکست آمریکا در عراق یا به تعبیر آمریکایی عدم موفقیت سیاست‌گذاری‌های آمریکا در عراق است. درحقیقت تغییر بسیاری از اولویت‌های آمریکا در عراق و جایگزین شدن بسیاری از اهداف جدید به جای اهداف قدیمی همه و همه حتمی بودن شکست آمریکا در عراق را در فاصله زمانی نه چندان دور نشان می‌دهد. مثلاً در اوایل پایان جنگ آمریکا با عراق هدف اصلی آمریکا ساختن يك عراق دموکرات، هم پیمان با آمریکا و شریک اصلی این کشور در جنگ با تروریسم بود اما در حال حاضر تاسیس يك نظام قوی و قدرتمند در عراق که بتواند وحدت و تمامیت ارضی این کشور را تامین کند و در برابر فعالیت‌های تروریستی ایستادگی کند جایگزین هدف سابق آمریکا شده است و به عنوان هدف جدید آمریکا مطرح می‌باشد.»

ربیع می‌نویسد: «بسیاری از امور برشمرده شده‌ی فوق‌نشان می‌دهد که عملاً برنامه‌ی بوش برای ساختن خاورمیانه‌ی جدید بر باد رفته است و هدف اصلی این دولت در حال حاضر تثبیت دموکراسی در خاورمیانه نیست بلکه هدف آن حفظ ثبات دولت خود و کسب حمایت، تایید و مشارکت کشورهای مختلف جهان در زمینه‌ی جنگ آمریکا با تروریسم جهانی است. به همین دلیل است که بسیاری از کارشناسان سیاسی معتقدند که حزب دموکرات آمریکا نتایج این انتخابات را به سود خود پایان خواهد داد و اکثریت را در مجلس نمایندگان این کشور به خود اختصاص خواهد داد و ائتلافی جدید و قوی در برابر سیاست‌گذاری‌های دولت بوش رهبری خواهد کرد به گونه‌ای که این ائتلاف یا جریان سیاسی قوی دولت فعلی آمریکا را مجبور به تغییر بسیاری از سیاست‌های فعلی‌اش در عراق و خاورمیانه خواهد کرد. تاریخ انتخابات آمریکا نشان می‌دهد که دولت‌هایی که در جنگ‌های طولانی و پرهزینه قدم گذاشته‌اند تایید و پشتوانه‌ی مردمی خود را از دست داده‌اند و نیز حکومت‌هایی که گرفتار رسوایی‌های سیاسی و اخلاقی شده‌اند معمولاً همیشه با یک انقلاب سیاسی کنار زده می‌شدند.»

ربیع در پایان این تحلیل می‌آورد: «نظرسنجی‌های انجام شده در آمریکا نشان می‌دهد که دولت فعلی آمریکا گرفتار هر دو نوع این معضله‌ها شده است به طوری که دولت بوش متهم به بسیاری از فسادهای اخلاقی است و بسیاری از اعضای کنگره‌ی این کشور پرونده‌های اخلاقی قطوری را برای خود رقم زده‌اند. براساس نتایج آخرین نظرسنجی انجام شده توسط روزنامه‌های مطرح آمریکایی از جمله واشنگتن پست که دو هفته قبل از انتخابات کنگره‌ی آمریکا بوده است ۹۵ درصد از دموکرات‌ها به سود نامزدهای دموکرات در این انتخابات شرکت خواهند کرد و رای خود را در صندوق‌های رای خواهند ریخت. در مقابل ۸۸ درصد از جمهوریخواهان حاضر شده‌اند که به سود نامزدهای جمهوریخواه در این انتخابات شرکت کنند و رای خود را در صندوق‌های رای بیاندازند. همچنین در این نظرسنجی مشخص شده است که ۵۹ درصد از افراد مستقل به سود نامزدهای دموکرات رای خواهند داد و تنها ۳۱ درصد از این افراد مستقل رای خود را به سود نامزدهای جمهوریخواه خواهند ریخت. با توجه به این نظرسنجی در حال حاضر دموکرات‌ها ۵۴ درصد از کل آراء را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل جمهوریخواهان تنها ۳۱ درصد از کل آراء رابه خود اختصاص داده‌اند. به همین دلیل است که بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی بر این اطمینان هستند که حزب دموکرات آمریکا اکثریت آراء را در مجلس نمایندگان آمریکا بدست خواهد گرفت اما در مقابل، کسب این موفقیت در انتخابات مجلس سناي آمریکا برای دموکرات‌ها بسیار سخت خواهد بود هر چند به اعتقاد من اگر اوضاع جاری در عراق بحرانی‌تر شود و افکار عمومی از فجاجی جاری در این کشور مطلع شوند احتمال پیروزی دموکرات‌ها در مجلس سناي آمریکا نیز میسر خواهد بود.»

انتهای پیام

آمار تکان‌دهنده‌ی آژانس پناهندگان سازمان ملل از آوارگی و بی‌خانمانی مردم عراق
"۱۰۰ هزار عراقی هر ماه به اردن و سوریه می‌گریزند"

۱۳/۰۸/۱۳۸۵

مقامات رسمی اعلام کردند، قریب به ۱۰۰ هزار عراقی هر ماهه به سوریه و اردن می‌گریزند و بدین ترتیب سازمان ملل را وادار می‌کنند هدفش برای کمک به بازگرداندن آوارگان پس از حمله‌ی به رهبری آمریکا را کنار گذارد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ران ردموند، سخنگوی رییس کمیسیون عالی سازمان ملل در امور آوارگان اعلام کرد این کمیسیون طرح‌هایی را برای برخورد با عزیمت دسته جمعی صدها هزار عراقی که ناامیدانه از خشونت می‌گریزند، طراحی کرده است.

ردموند گفت: اغلب کار ما در طول سه سال از زمان سقوط رژیم قبلی بر مبنای این فرضیه بود که اوضاع داخلی با ثبات شود و صدها هزار عراقی بی‌خانمان که پیش از این از کشور گریخته‌اند، بتوانند به خانه‌هایشان بازگردند. این در حالی است که ما اکنون شاهد بی‌خانمانی و فرار بیشتری به واسطه‌ی ادامه‌ی خشونت‌ها هستیم.

وی افزود: حصول آمار درست تعداد آوارگان به دلیل آنکه تعداد کمی از عراقی‌ها در این کمیسیون ثبت‌نام شده‌اند غیر ممکن است و اکثریت آن‌ها از سوی خانواده‌های میزبان یا موسسات خیریه حمایت می‌شوند.

اگرچه این آژانس سازمان ملل افرادی را که در ماه‌های اخیر وارد سوریه شده‌اند را شمارش کرده و اعلام کرده حدود ۲۰۰۰ تن در روز از این میسر عراق را ترک می‌کنند.

میزان خروج آوارگان این آژانس را با شگفتی همراه ساخته است.

ردموند گفت: اگر مردم به اردوگاه‌ها فرار می‌کردند این امر قابل مشاهده و محسوس بود. جریان ثابتی از مردم وجود دارند که اکنون در حال ترک عراق هستند.

دولت اردن می‌گوید حدود ۱۰۰۰ عراقی در روز وارد اردن می‌شوند.

تونی فراتو، سخنگوی کاخ سفید نیز گفت، وی نمی‌تواند هیچ اظهارنظری درباره‌ی شمارش آوارگان و یا صحت آن‌ها ارائه کند.

وی افزود: مشخصاً سطحی از خشونت در بغداد وجود دارد و این امر طبیعی است که انتظار داشته باشیم برخی مردم کشورشان را ترک کنند اما ما قصد داریم به کار برای آرام کردن خشونت‌ها ادامه دهیم تا عراقی‌ها بتوانند در عراق باقی بمانند و در کشوری آزاد و توأم با دموکراسی زندگی کنند.

ردموند ادامه داد: گمان می‌رود تقریباً تمامی آوارگان در سوریه و اردن بمانند اما تعداد کمی به عراق باز می‌گردند و تعدادی نیز به کشورهای دیگر می‌روند.

وی خاطرنشان کرد عراقی‌ها در جمع مردم کشورهای دیگر اولین گروهی بودند که به دنبال پناهندگی در اروپا در شش ماهه‌ی اول سال جاری با ۸۱۰۰ درخواست و ۵۰ درصد افزایش نسبت به سال پیش هستند.

آمار ورود عراقی‌ها به کشورهای همسایه‌ی دیگر عراق غیرقابل دسترس بود اما این آژانس اعلام می‌کند ۵۰ هزار عراقی در ماه از خانه‌هایشان می‌گریزند اما در عراق باقی می‌مانند که این دسته جزو افراد بی‌خانمان داخلی طبقه‌بندی می‌شوند.

سخنگوی رییس کمیسیون عالی سازمان ملل در امور آوارگان گفت: ما یک بحران بی‌خانمانی در عراق داریم و جامعه‌ی بین‌المللی باید اقدامات بیشتر در حمایت از نیازهای این مردم به انجام رساند.

وی افزود: این هجوم جمعیت به کشورهای دیگر هزینه‌ها و قیمت مسکن، غذا و دیگر مایحتاج را در سوریه و اردن افزایش داده است.

آژانس پناهندگان سازمان ملل UNHCR برآورد می‌کند ۴۲۵ هزار عراقی در سال جاری به دلیل خشونت‌های فرقه‌یی بی‌خانمان شده‌اند.

ردموند یادآور شد پیش از حمله‌ی آمریکا در سال ۲۰۰۳، UNHCR طرح‌های خاصی را برای ۶۰۰ هزار آواره و مردم بی‌خانمان ایجاد کرده بود و بودجه‌ی ۱۵۴ میلیون دلاری را به این امر اختصاص داده بود اما هیچ عزمی در آغاز وجود نداشت.

UNHCR هم اکنون برآورد می‌کند که ۱/۸ میلیون عراقی هم اکنون در کشورهای همسایه زندگی می‌کنند و ۱/۶ میلیون نیز در داخل این کشور بی‌خانمان شده‌اند اما این تعداد شامل کسانی است که در دهه‌ی ۹۰ مدت‌ها پیش از این حمله گریخته‌اند.

جمعیت عراقی تا ماه ژوئیه ۲۶/۷ میلیون تن برآورد شده بود.

انتهای پیام

مسکو خواستار اصلاح گسترده قطعنامه مربوط به ایران

ایران علیرغم مواجهه با خطر تحریم می گوید حاضر به دست کشیدن از غنی سازی اورانیوم نیست روسیه بالاخره پس از یک هفته ابراز نارضایتی و گله نسبت به پیش نویس قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی برای تحریم ایران، روز جمعه با ارائه پیشنهادهای خواستار تجدید نظر عمده در این سند شده است. نمایندگان آلمان و پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل جمعه بعد از ظهر طی ملاقاتی غیرعلنی در دفتر بریتانیا در سازمان ملل در نیویورک درباره پیش نویس قطعنامه ای که به خاطر خودداری ایران از معلق کردن بخش های حساس برنامه اتمی اش خواستار تحریم آن کشور می شود بحث کردند.

پیش نویس این قطعنامه که تقریباً دو هفته قبل توسط آلمان، بریتانیا و فرانسه تنظیم شد، فروش و تامین هرگونه مواد و تکنولوژی که می تواند در برنامه موشکی و اتمی ایران کاربرد داشته باشد را ممنوع می کند و خواستار انسداد اموال و دارایی های شرکت ها و سازمان هایی که در آن برنامه ها نقش دارند می شود. منع سفرهای خارجی آن دسته از مقام های ایرانی که در برنامه اتمی این کشور دست دارند از دیگر مفاد این پیش نویس است.

اظهارات مقام های روس در روزهای اخیر نشان می دهد آنها دو خواسته مشخص دارند: یکی اینکه قطعنامه نباید راه را بر مذاکرات با ایران ببندد درحالی که پیش نویس کنونی از جمله خواستار منع سفرهای خارجی مقام های ایرانی دست اندرکار برنامه هسته ای می شود. دیگر اینکه هرگونه اشاره ای به نیروگاه بوشهر که روسیه مشغول احداث آن است باید از متن آن حذف شود.

بنابه گزارش ها ویتالی چرکین، سفیر روسیه در سازمان ملل، که پنجشنبه از مسکو بازگشت، پس از این نشست گفت: "من از مسکو اصلاحیه هایی آورده ام... و توافق کردیم به مباحثاتمان ادامه دهیم."

اظهارات مقام های روس در روزهای اخیر نشان می دهد آنها دو خواسته مشخص دارند: یکی اینکه قطعنامه نباید راه را بر مذاکرات با ایران ببندد درحالی که پیش نویس کنونی از جمله خواستار منع سفرهای خارجی مقام های ایرانی دست اندرکار برنامه هسته ای می شود. دیگر اینکه هرگونه اشاره ای به نیروگاه بوشهر که روسیه مشغول احداث آن است باید از متن آن حذف شود.

وی با اشاره به این که پیشنهادهای روسیه پیش نویس را بسیار کوتاه تر از آنچه اکنون هست خواهد کرد گفت هرچند که قطعنامه باید مانع کمک افراد و کشورها به توسعه تاسیسات غنی سازی اورانیوم و وسایل پرتاب سلاح های اتمی در ایران شود، اما باید درها را به روی مذاکرات باز بگذارد.

وی گفت هر قطعنامه ای "باید درها را به روی مذاکرات با ایرانی ها باز بگذارد و نباید حاوی چیزهایی باشد که هیچ هدف مفیدی ندارند بلکه تنها باعث می شوند از مقصود اصلی یعنی حصول نتیجه ای استوار بر مذاکره در مورد مساله پیچیده برنامه اتمی ایران دور شویم."

سرگنی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، نیز دو روز پیشتر گفته بود: "ما نمی توانیم از تدابیری حمایت کنیم که هدف آنها اساساً انزوای ایران از جهان خارج است، از جمله انزوای کسانی که از آنها خواسته شده مذاکراتی در مورد برنامه اتمی (ایران) انجام دهند."

علی لاریجانی، دبیر شورای امنیت ملی ایران، و مقام های وابسته به سازمان انرژی اتمی ایران بارها برای انجام مذاکرات با اروپاییان به این قاره سفر کرده اند و به نظر می رسد مسکو نگران باشد که با ممنوعیت سفر آنها راه بر مذاکرات بعدی بسته شود.

نیروگاه بوشهر

روسیه همچنین در مورد هرگونه اشاره ای در این قطعنامه به نیروگاه بوشهر نگرانی هایی دارد.

در پیش نویس فعلی قطعنامه پیشنهادی اروپایی ها در بندی تحت عنوان "معافیت روسیه" تصریح شده که نقش روسیه در ساخت نیروگاه بوشهر از تحریم های احتمالی مستثنی است، با این حال مسکو باید کمیته تحریم های شورای امنیت را از پیش و به طور مورد به مورد در جریان کالاهایی که می تواند برای تولید سلاح استفاده شود [و در این نیروگاه کاربرد دارد] قرار دهد.

ما معتقدیم که پروژه بوشهر هیچ کاری با نگرانی ها در زمینه عدم اشاعه (سلاح های هسته ای) ندارد زیرا آشکارا یک نیروگاه اتمی صلح آمیز است که ما در ساخت آن به ایرانی ها کمک می کنیم

ویتالی چرکین

ویتالی چرکین در این مورد گفت: "ما معتقدیم که پروژه بوشهر هیچ کاری با نگرانی ها در زمینه عدم اشاعه (سلاح های هسته ای) ندارد زیرا آشکارا یک نیروگاه اتمی صلح آمیز است که ما در ساخت آن به ایرانی ها کمک می کنیم."

چین نیز که تاکنون در مورد پیش نویس کنونی سکوت اختیار کرده بود از موضع روسیه حمایت کرده است.

وانگ گوانگیا، سفیر چین در سازمان ملل، گفت: "فکر می کنم (پیش نویس اروپایی ها) کمی سختگیرانه باشد، ممکن است ایرانی ها را منزوی کند."

وی گفت استدلال چین همواره این است که "تحریم های شورای امنیت به صورت مرحله به مرحله اتخاذ شود و طوری باشد که باعث فشار سیاسی بر ایران شود تا بار دیگر به میز مذاکرات برگردند."

این درحالی است که ایران آمادگی خود برای مذاکره را اعلام کرده اما در صورتی که - برخلاف خواسته اتحادیه اروپا و آمریکا - بدون پیش شرط یعنی تعلیق غنی سازی اورانیوم انجام شود.

جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل در مورد اصلاحات پیشنهادی روسیه گفت: "تغییرات گسترده است و برای همین است که ما وارد مباحثه ای خط به خط در مورد آن نشدیم. آنها (اصلاحیه های) خود را توزیع کرده اند و ما ساعاتی دیگر مال خود را توزیع خواهیم کرد، و فرض من این است که هفته آینده ملاقات خواهیم کرد."

انتقاد لاوروف

همزمان سرگنی لاوروف روز جمعه در بروکسل ضمن دیدار با مقام های اتحادیه اروپا برای دومین بار طی دو روز گذشته از پیش نویس پیشنهادی اروپایی ها انتقاد کرد.

هرچند لاوروف نسبت به اعمال تدابیر "معقول" و "مناسب" ابراز تمایل کرد اما بار دیگر گفت که پیش نویس کنونی افراطی است.

تدابیری که معرفی خواهیم کرد باید معقول باشد، وضعیت واقعی را در نظر بگیرد، باید مناسب با شرایط واقعی حاکم بر برنامه اتمی ایران باشد و باید حالت تدریجی داشته باشد

سرگنی لاوروف

وی گفت: "تدابیری که معرفی خواهیم کرد باید معقول باشد، وضعیت واقعی را در نظر بگیرد، باید مناسب با شرایط واقعی حاکم بر برنامه اتمی ایران باشد و باید حالت تدریجی داشته باشد."

وی در گفتگو با خبرنگاران افزود: "ما آماده ایم و هنوز حاضریم تدابیری از این نوع تنظیم کنیم. آنچه سه کشور اروپایی تنظیم کرده اند خیلی از آنچه برسر آن توافق کرده بودیم فراتر می رود."

به گزارش خبرگزاری فرانسه یک منبع دیپلماتیک در بروکسل گفت که روسیه از تنظیم کنندگان پیش نویس می خواهد هر اشاره ای به نیروگاه بوشهر را حذف کنند و بند مربوط به ممنوعیت سفر مقام های ایرانی و انسداد دارایی ها را هم بردارند.

این درحالی است که آمریکا معتقد است پیش نویس اروپایی ها به اندازه کافی سختگیرانه نیست.

این اختلافات نشان می دهد شورای امنیت در توافق برسر ماهیت و ابعاد تحریم ایران با چه مأموریت دشواری روبروست.

ایران براساس قطعنامه پیشین شورای امنیت تا آخر ماه اوت فرصت داشت تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در آورد یا با اقدامات بعدی شورا مواجه شود؛ اما قطعنامه را نادیده گرفت.

اعضای دائمی شورای امنیت، به خصوص آمریکا، بریتانیا و فرانسه مظنون هستند ایران در پوشش برنامه های صلح آمیز هسته ای در صدد تولید سلاح اتمی باشد، اما مقامات جمهوری اسلامی این سوء ظن را رد کرده اند.

واکنش تهران به احتمال تحریم ها

در همین حال در مراسم نماز جمعه تهران، آیت الله احمد جنتی، امام جمعه موقت، با تاکید بر اینکه تمام نهادهای جمهوری اسلامی مصمم به دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای هستند، وضع تحریم علیه ایران را مورد انتقاد قرار داد.

وی گفت که جمهوری اسلامی سال ها در تحریم بوده و افزود که تحریم کنندگان با چنین اقداماتی، به گفته وی، "ما را به زحمت می اندازید اما خود نیز به زحمت می افتید."

دولت ایران علیرغم فشارهای بین المللی از تعلیق برنامه غنی سازی اورانیوم خودداری کرده و به نظر می رسد خطر تحریم ها را به جان خریده باشد؛ به علاوه با توجه به روابط گسترده اقتصادی چین و روسیه با ایران، مقام های جمهوری اسلامی از این دو کشور انتظار و امید دارند که مانع هرگونه تحریم جدی شوند.

مقام های ارشد جمهوری اسلامی بارها تاکید کرده اند که از تحریم وحشتی ندارند و قصد دارند پیشرفت ایران در زمینه تولید انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز را تضمین کنند.

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، نیز چند هفته پیش از تحریم ها استقبال کرده و گفته بود زمان تحریم ها "روز جشن ملی ما" خواهد بود.